

# شاهین جنگی

نویسنده: جیمز رولینز

مترجم: هادی امینی



کتابسرای نندیس

شابک: 978-600-182-281-6  
ISBN: 978-600-182-281-6

## پیشگفتار

بهار ۱۹۴۰

انگلستان، باکینگهام شایر

تعداد کمی در سازمان اطلاعات ارتش آבוهر<sup>۱</sup> اسم واقعی او یا حتی انگیزه‌اش برای حضور در خاک بریتانیا را می‌دانستند. به عنوان یک جاسوس با اسم رمز گیست - مترادف آلمانی شبخ - خدمت می‌کرد و شکست برایش معنایی نداشت. در یک چاله گلی روی شکمش خوابیده بود و لایه‌های یخ قندیل بسته صورتش را می‌آزرد. سرمای نیمه‌شب، نسیم باد سوزان و سوزش مفاصل یخ‌زده‌اش را نادیده می‌گرفت و در عوض روی تصویر دوربین دوچشمی که به صورتش چسبانده بود، تمرکز داشت. او و گروه همراهش روی ساحل یک دریاچه کوچک خوابیده بودند. صد یارد آن طرف‌تر، در ساحل مقابل، ویلاهای حومه‌ای در تاریکی ردیف شده بودند و اینجا و آنجا با پرتوهای محدود نور زردرنگی که از پشت پرده‌های تیره بیرون می‌زد روشن

۱. Abwehr: سازمان اطلاعات ارتش نازی.



۱۰ اکتبر، ۶:۳۹ بعد از ظهر به وقت محلی

مونتانا، کوهستان بیترروت

همه این مشکلات به خاطر یک میخ ساده لعنتی...

تا کر وین تایر پنچر شده را پشت خودروی اجاره‌ای اش انداخت. جیب‌گرد کروکی روی شانه تنها جاده کشیده شده در کوهستان‌های جنوب شرق مونتانا پارک شده بود. این چند میلیون جریب جنگل کاج، دره‌های بریده‌شده از یخچال‌های طبیعی و قله‌های زمخت، بزرگ‌ترین دشت سرسبز حیات وحش در ایالت‌های هم‌مرز چهل‌وهشت گانه ایالات متحد به حساب می‌آید. قوسی به کمرش داد و آسفالت موجدار پرانتزی در دو سمت تپه‌های شیب‌دار و جنگل‌های انبوه کاج قطبی را نگاه کرد.

شانس منه دیگه. اینجا وسط ناکجاآباد، رفتم روی یک میخ.

به نظر غیرممکن می‌رسید که این هیولای بزرگ شاسی بلند، فقط با یک تکه آهن کوتاه‌تر از انگشت کوچکش زمین‌گیر شود، اما یادآوری خوبی بود که چگونه پیشرفت‌های تکنولوژیکی ممکن است با یک سخت‌افزار باستانی مانند